فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر پناهندگان: همگرایی آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل

فاطمه اصحابی[1]

۳۸
دوره ۱٤، شماره ۳، پیاپی ۳۸
پاییز ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱٤۰٤-۰۵-۱۳
تاریخ پذیرش:
۱٤۰٤-۰۸-۰۹
صص: ۱۰۰-۷۹
شاپا چاپی: ۵۶٤۵-۲۳۲۲
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

مفهوم پناهندگی و حقوق پناهندگان از مصادیق برجسته توجه به حقوق بنیادین بشر در جهان معاصر است. در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر، اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ بر لزوم حمایت از حقوق پناهندگان تأکید دارند. با وجود این، پناهندگان در بسیاری از کشورها با رفتارهای غیرانسانی مواجه می‌شوند و در وضعیتی پارادوکسیکال میان «حق» و «بی‌حقوقی» قراردارند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی به بررسی این پرسش می‌پردازد که چگونه همگرایی میان آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل می‌تواند به تدوین یک پروتکل حقوقی ترکیبی فراملی در صیانت از حقوق پناهندگان منجر شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همگرایی میان اصول اسلامی مانند «حفظ نفس» (مصادیق مقاصد شریعت) و قواعد بین‌المللی مانند اصل عدم بازگرداندن (ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱) می‌تواند به تقویت سازوکارهای حقوقی فراملی منجر شود. ایجاد مدل‌های حقوقی ترکیبی، مانند ترکیب فتاوای فقهی در پروتکل‌های کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان برای کشورهای اسلامی، و توسعه شهروندی فراملی برای کاهش بی‌تابعیتی می‌تواند شرایط پناهندگان را در کشورهای میزبان بهبود بخشد و بازگشت اجباری را کاهش دهد . این همگرایی نه تنها نقاط قوت هر نظام را برجسته می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای گذار از چالش‌های عملی به سوی حمایت پایدار فراهم می‌آورد .

کلیدواژه‌ها:

پناهندگان، حق بر داشتن حقوق، حقوق بشر، حاکمیت دولت، اسلام، شهروندی جهانی، حقوق بشر اسلامی

۱. استادیار، دانشکده علوم انسانی ، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران(نویسنده مسئول) f.ashabi@du.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

پناهنده در حقوق بین‌الملل، بر اساس ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱، فردی است که به دلیل ترس موجه از آزار و اذیت به علت نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی، خارج از کشور تابعیت خود است و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از حمایت آن کشور بهره‌مند شود. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱، پناهندگان عمدتاً بر اساس دلایل آزار (نژاد، مذهب، ملیت، گروه اجتماعی خاص، عقاید سیاسی) تعریف می‌شوند. بنابراین، انواع اصلی عبارتند از: پناهندگان سیاسی: کسانی که به دلیل عقاید سیاسی یا فعالیت‌های مخالف با دولت مبدأ مورد تعقیب قرار می‌گیرند. دولت‌ها اغلب این نوع را با ملاحظات امنیتی ارزیابی می‌کنند، مانند مورد پناهندگان سوری در اروپا پناهندگان مذهبی: افرادی که به دلیل اعتقادات مذهبی (مانند مسیحیان در خاورمیانه یا مسلمانان روهینگیا) آزار می‌بینند. این نوع با اصل عدم تبعیض در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی همخوانی دارد و اغلب حمایت گسترده‌تری دریافت می‌کند.(ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱)

پناهندگان جنگی یا آوارگان داخلی[1]کسانی که از درگیری‌های مسلحانه فرار می‌کنند، تحت حمایت کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ قرار می‌گیرند، اما ممکن است تحت کنوانسیون ۱۹۵۱ پوشش داده نشوند اگر آزار شخصی نباشد؛ این گروه نیاز به حمایت فوری دارد. **(UN, 1998)**

پناهندگان زیست محیطی: افرادی که به دلیل تغییرات آب و هوایی (مانند سیل یا خشکسالی) جابه‌جا می‌شوند؛ این نوع در حقوق بین‌الملل هنوز تعریف رسمی ندارد، اما در پیمان جهانی مهاجرت ۲۰۱۸ به آن اشاره شده است و چالش‌های اثبات آزار را به همراه دارد(**Global Compact on Migration (UN, 2018), Objective 2** .)

پناهندگان اقتصادی: کسانی که به دلیل فقر یا بحران اقتصادی مهاجرت می‌کنند؛ این گروه معمولاً پناهنده محسوب نمی‌شوند و به عنوان مهاجر اقتصادی ارزیابی می‌گردند، مگر اینکه با آزار مرتبط باشد، که اغلب منجر به رد درخواست می‌شود .(**UNHCR Handbook (2011), para. 62–64**)

در حقوق بین الملل، حمایت از حقوق پناهندگان دشامل اصل عدم بازگرداندن[2] ماده ۳۳)، حق عدم مجازات ورود غیرقانونی (ماده ۳۱)، و حقوق اساسی مانند آموزش، کار و بهداشت است، اما این حقوق تنها برای پناهندگان سیاسی، مذهبی، نژادی، ملیتی یا مرتبط با گروه اجتماعی خاص اعمال می‌شود؛ پناهجویان اقتصادی یا زیست محیطی معمولاً خارج از این پوشش‌اند مگر با مکانیسم‌های مکمل مانند پیمان جهانی مهاجرت ۲۰۱۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در مقابل، در اسلام، پناهنده (مُستجیر) کسی است که برای حفظ جان، دین یا مال از ظلم یا ناامنی فرار می‌کند (بر اساس مفهوم «امان» در سوره توبه آیه۶ و «حجره» در سوره نحل، آیه۴۱). پناهجو (طالب امان) درخواست‌کننده حمایت است. حمایت‌ها تکلیف شرعی است و شامل امان فوری، تأمین معاش از بیت‌المال، و امنیت تا رفع خطر است (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج۱۵، ص۸۵؛ ابن قدامه،

---

[1] (IDPs)
[2] non-refoulement

۱۴۱۷، ص۱۶۵)، و بدون تمایز سختگیرانه ، همه را شامل می شود از جمله پناهندگان سیا سی و مذهبی (مانند مهاجرین به مدینه)، جنگی (حمایت از مظلوم در جنگ)، و حتی اقتصادی یا زیست محیطی (حمایت از کسانی که از ناامنی مالی یا بیماری فرار می‌کنند، بر اساس آیات ۹۷ تا ۹۹ سوره النساء). زنان و کودکان در همه انواع حمایت ویژه دریافت می‌کنند (آیه ۷۵سوره نسا).

خاستگاه «حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر» را باید در «حق داشتن پناهگاه» در یونان با ستان، امپراتوری روم و تمدن اولیه مسیحیت جستجو کرد. معادل مدرن آن تو سط دولت‌ها در قالب ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شد. از دوران باستان تا اواسط قرن بیستم، پذیرش پناهندگان، حق یک جامعه در سرپیچی از درخواست‌های حاکم یک سرزمین دیگر برای بازگرداندن پناهندگان فراری‌اش بود. **(Kowalczyk & Versteeg, 2017, p. 1226).**حق سرپیچی از خواست کشور دیگر با امتناع از بازگرداندن پناهنده، مظهر خودمختاری، تعیین سرنوشت، استقلال و حتی شجاعت نظامی بود. ایده پناهندگی در تاریخ یونان باستان را می‌توان در تاریخ هرودوت یافت که در مورد آدراستوس شرح می‌دهد که پس از کشتن ناخواسته برادرش، به ساردس پناه برد، جایی که پادشاه کرزوس از او استقبال کرد و با مهربانی او را مورد حمایت قرار داد. **(Kowalczyk & Versteeg, 2017, p. 1228).**در تاریخ، ادیپ پس از حل معمای ابوالهول، شهر تبس را آزاد می‌کند و تاج و تخت آن را به دست می‌گیرد تا بعداً به دلیل آزار و اذیت به آتن پناهنده شود. تسئوس، پادشاه آتن، از ادیپ محافظت می‌کند، زیرا او نیز مجبور شد برای فرار از دشمنان خود در سرزمین‌های خارجی پنهان شود. به همین ترتیب، حفاظت و رفتار مناسب با بیگانگان موضوع تکرارشونده ادیسه هومر است **(Kowalczyk & Versteeg, 2017, p. 1229).** این پیشینه تاریخی نه تنها ریشه‌های فرهنگی حمایت از پناهندگان را نشان می‌دهد، بلکه پایه‌ای برای درک تنش میان حاکمیت ملی و تعهدات انسانی در دوران مدرن فراهم می‌کند و مستقیماً به پارادوکس امروزی پناهندگی منجر می‌شود، جایی که حقوق بشر با محدودیت‌های دولتی برخورد می‌کند.

در پی مهاجرت دسته‌جمعی پناهندگانی که از رژیم‌های نازی و فاشیست در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن گریختند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا، متن اعلامیه جهانی حقوق بشر را در سال ۱۹۴۸ تصویب کرد (**Goodwin-Gill & McAdam, 2024, pp. 45-47**; زمانی, ۱۴۰۳, **pp. 12-15**). این تصویب، پاسخی مستقیم به جنایات هولوکاست و آوارگی میلیون‌ها نفر بود و پایه‌ای برای کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان شد. این اعلامیه که زمینه مناسبی برای تدوین کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان بود، در بند ۱ ماده ۱۴ مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد در برابر آزار و شکنجه در کشورهای دیگر پناهندگی بخواهد و از آن برخوردار شود». کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان، دولت‌ها را از مجازات پناهندگانی که مستقیماً از سرزمینی می‌آیند که در آن سرزمین، زندگی یا آزادی آن‌ها در معرض تهدید قرار گرفته است، بدون مجوز وارد قلمرو خود شوند یا در آن حضور داشته باشند، مشروط بر اینکه بدون تعلل خود را به مقامات معرفی کنند و دلیل موجهی برای ورود یا حضور غیرقانونی خود نشان دهند، منع می‌کند. لذا قوانین بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، بازگشت اجباری افراد به آزار و شکنجه را ممنوع می‌کند .اما پناهنده شدن یعنی ترک کشور مبدأ و د ستر سی به قلمرو کشور دیگری که در آن می‌توان درخوا ست پناهندگی کرد، با

دشواری‌های زیادی همراه است؛ دولت‌ها به دنبال محدود کردن ورود افراد مهاجر به قلمرو خود هستند تا از تعهدات قانونی در قبال آن افراد، از جمله وظیفه عدم بازگشت، اجتناب کنند **(Fisher, 2019, p. 1123).** وضعیت پناهندگان، نماد تضاد میان حقوق بشر و حاکمیت ملی است. «حق اساسی انسان، حق داشتن حقوق است**(Arendt, 2024, p. 312)** پناهندگان که از تابعیت خود محروم شده‌اند، در بسیاری موارد به وضعیتی سقوط می‌کنند که هیچ نهاد سیاسی‌ای مسئولیت حمایت از آنان را بر عهده نمی‌گیرد **(UNHCR, 2024, p. 22)**این وضعیت به‌ویژه در اردوگاه‌های موقت یا مناطق مرزی مشهود است و هسته مرکزی پارادوکسی را تشکیل می‌دهد که پژوهش حاضر بر آن تمرکز دارد .بسیاری از دولت‌های غربی، سیاست‌ها و شیوه‌های سختگیرانه یا محدودکننده در ارتباط با پناهندگی را به منظور بازدارندگی و جلوگیری از پناهندگی پناهجویان در قلمرو خود، از جمله با اقدامات جلوگیری و ممنوعیت، کنترل ویزا، تحریم‌ها، بازداشت، کاهش مزایای رفاهی و کاهش شدید امکانات رفاهی، همراه با محدودیت حاکم بر حقوق خانواده، اعمال می‌کنند. بیگانه‌هراسی و عدم تحمل نسبت به بیگانگان و به‌ویژه نسبت به پناهندگان و پناهجویان نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته و اقدامات بازدارنده علیه پناهندگان از طریق فرسایش استانداردهای رفتاری، از جمله انکار برخی از حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهم تضمین‌شده توسط کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و سایر حقوق تضمین‌شده تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر رواج یافته است.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه همگرایی میان آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل می‌تواند به تدوین یک پروتکل حقوقی ترکیبی فراملی در صیانت از حقوق پناهندگان منجر شود .برای دستیابی به این هدف، تحلیل تطبیقی میان قواعد بین‌المللی (مانند اصل عدم تبعیض در ماده ۲ اعلامیه جهانی) و اصول فقهی اسلامی (مانند مقاصد شریعت در حفظ جان) انجام می شود تا نقاط همگرایی حقوقی شناسایی و پیشنهادهای عملی برای بهبود وضعیت پناهندگان ارائه گردد تا از این طریق، پلی میان چالش‌های عملی دولت‌ها و راه‌حل‌های اسلامی ایجاد کند. فرضیه پژوهش آنست که همگرایی میان آموزه‌های اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل (مانند اصل عدم بازگرداندن در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، حق برخورداری از پناهندگی در ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و استانداردهای حمایت مکمل در پیمان جهانی مهاجرت ۲۰۱۸) می‌تواند به تدوین یک پروتکل حقوقی ترکیبی فراملی برای صیانت از حقوق پناهندگان منجر شود. در ارتباط با موضوع پژوهش تاکنون مطالعاتی انجام شده است. موسی‌زاده و کهریزی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای در نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی به بررسی حقوق پناهندگی در اسلام پرداخته و استدلال کرده‌اند که اصول اسلامی، به‌ویژه مفهوم کرامت انسانی (آیه ۷۰ سوره اسراء)، می‌تواند به‌عنوان منبعی برای توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی مورد استفاده قرار گیرد. آن‌ها تأکید دارند که حمایت از پناهندگان در فقه اسلامی ریشه در مقاصد شریعت، مانند حفظ جان و کرامت، دارد. سلیمی منصوری و بابایی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای در نشریه مطالعات حقوق به تحلیل اصل منع بازگرداندن در حقوق بین‌الملل پرداخته و به‌طور ضمنی به همگرایی این اصل با آموزه‌های اسلامی اشاره کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که اجرای این اصل در عمل با چالش‌هایی مانند سیاست‌های امنیتی دولت‌ها مواجه است. اصحابی (۱۴۰۲) در فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، به تمایل

پناهندگان به بازگشت و دسترسی به حقوق شهروندی پرداخته و پیشنهادهایی برای ادغام حقوقی ارائه کرده است. با وجود مطالعات گسترده در حوزه حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی، تحلیل تطبیقی جامعی که به‌طور خاص به همگرایی این دو نظام حقوقی در زمینه حقوق پناهندگان بپردازد، کمتر دیده شده است. بسیاری از پژوهش‌ها یا صرفاً بر جنبه‌های حقوقی بین‌المللی تمرکز دارند یا به‌طور جداگانه به دیدگاه‌های اسلامی پرداخته‌اند، بدون آنکه به‌طور عمیق به نقاط تلاقی این دو بپردازند. این پژوهش با تمرکز بر این شکاف، به دنبال ارائه تحلیلی یکپارچه از همگرایی حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی در حمایت از حقوق پناهندگان است. از این رو، پژوهش با بررسی نقش دولت‌ها در ایجاد پارادوکس پناهندگی آغاز می‌شود، سپس به دیدگاه اسلامی به عنوان مکمل این پارادوکس می‌پردازد، پس از آن مفهوم «حق بر داشتن حقوق» را به عنوان چارچوب نظری یکپارچه‌کننده تحلیل می‌کند، و در نهایت با اقدامات نهادهای بین‌المللی و پیشنهادهای عملی به پایان می‌رسد تا جریان منطقی و پیوسته‌ای از چالش به راه‌حل ایجاد شود.

۱. دولت‌ها و حق پناهندگی

پارادوکس حاکمیت و حمایت انسانی نظام حقوق بین‌الملل حقوق بشر بر پایه حاکمیت دولت‌ها عمل می‌کند. پناهندگان کسانی هستند که دولت شان از آنان حمایت نمی‌کند یا آنان را طرد کرده است. این پارادوکس نشان می‌دهد که حقوق بشر بدون نهادهای سیاسیِ ضامنِ آن، خالی از قدرت اجرایی است. با وجود این، دولت‌ها با اقدامات خود این حقوق را غیرقابل اجرا می‌سازند یا اعمال آن را با موانع بسیاری مواجه می سازند. بخش حاضر این تنش بنیادین را بررسی می‌کند و با تحلیل تطبیقی میان حاکمیت در حقوق بین‌الملل و تعهدات فراملی در اسلام، زمینه را برای بخش بعدی فراهم می‌آورد که دیدگاه اسلامی را به عنوان راهکاری برای تعدیل این پارادوکس معرفی می‌کند.

۱-۱ .حق حاکمیت دولت‌ها در اعطای پناهندگی

اعطای پناهندگی یا پذیرش پناهجویان یا عدم پذیرش آن‌ها، اعمال قانونی حاکمیت ارضی است که توسط هیچ کشوری به عنوان یک اقدام غیردوستانه تلقی نمی‌شود. ارزیابی توانایی کشور میزبان برای پذیرش افراد غیر اتباع نباید به عنوان مداخله در حاکمیت کشور پناهنده تلقی شود **(Zamanpour & Alizadeh, 2024, p. 312)** گرچه حق اعطای پناهندگی قانونی وجود ندارد، ممکن است یک حق ضمنی برای پناهندگی یعنی درخواست برای آن وجود داشته باشد. پناهندگی اکنون کمتر به‌عنوان حق، و بیشتر چونان امری بشردوستانه، خیرخواهانه یا تابع سیاست داخلی دیده می‌شود **(McAdam & Wenckstern, 2023, p. 15)**.

در برخی موارد، تصمیم درباره پذیرش یا رد یک پناهنده به‌صورت کاملاً اداری، غیرقابل‌اعتراض و حتی بدون حضور فرد اتخاذ می‌شود؛ پدیده‌ای که نهادهای حقوق بشری آن را «غیرقانونی اما مشروع از دید دولت‌ها» می‌دانند. دولت‌ها اغلب با تبدیل مرزها به فضاهای استثنا، نقش خود را در پذیرش پناهندگان به تعلیق در می‌آورند **(Nguyen & Davies, 2024, p. 412)** حقوق بشر، وقتی فاقد بستر سیاسی باشد، به امتیازی مشروط بدل می‌شود. بسیاری از دولت‌ها در عین عضویت در نهادهایی چون کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد[1]، عملاً سیاست‌هایی در پیش گرفته‌اند که با تعهدات بین‌المللی شان تضاد دارد. برای

[1] United Nations High Commissioner for Refugees

مثال، آمریکا در دوره ترامپ، برنامه « پناهندگی باقی در مکزیک[1]» را اجرا کرد؛ اتحادیه اروپا از طریق اتحادیه اروپا از طریق آژانس گارد مرزی و ساحلی اروپا[2] و قراردادهای دوجانبه، مهاجران را به لیبی یا ترکیه بازمی‌گرداند؛ هند، با وجود پذیرش برخی مهاجران، پناهندگان روهینگیا را «تهدید امنیتی» تلقی کرده است .با افزایش موج‌های پناهندگی و بی‌تابعیتی در جهان معاصر، دولت‌ها در تقابل میان حفظ امنیت ملی و احترام به حقوق بشر قرار گرفته‌اند. چالش‌های عملی شامل محدودیت‌های منابع، فشارهای سیاسی داخلی و نگرانی‌های امنیتی، باعث شده است که بسیاری از دولت‌ها از تعهدات حقوقی خود شانه خالی کنند یا این تعهدات را به شکلی محدود و گزینشی اجرا نمایند**(Schmitt & Kagan, 2024, p. 355)**

.(از منظر تطبیقی، این رویکرد با اصول اسلامی مانند «حفظ نفس» (که در فقه شیعه و سنی به عنوان مقصد شریعت الزامی است) ناسازگار است، زیرا اسلام دولت را موظف به حمایت از مظلوم می‌داند، حتی اگر غیرمسلمان باشد (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۸۵) .به نظر می رسد اگر دولت‌های اسلامی مدل حقوقی «پناهندگی مشروط به امنیت» را توسعه دهند، با ماده ۱کنوانسیون ۱۹۵۱ همخوانی داشته و پذیرش را تسهیل میکند.

۲-۱ .اداری‌سازی روندهای تصمیم‌گیری درباره پناهندگان

اداری‌سازی یا وروکراتیزه‌شدن[3] روندهای تصمیم‌گیری درباره پناهندگان به این معناست که تصمیم‌گیری‌ها درباره سرنوشت افراد به ساختارهای فرایندی، فرم‌ها، دستورالعمل‌ها و الگوریتم‌های اداری واگذار شده که به‌ندرت مجالی برای حضور مستقیم، روایت شخصی یا دفاع از خود توسط پناهجو فراهم می‌کنند .فرایندهای بوروکراتیک پناهندگی در بسیاری از کشورهای غربی – به‌ویژه ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا و اتحادیه اروپا – به جای تمرکز بر فرد انسانی و تجربه زیسته‌ی پناهجو، بر مدارک، فرم‌ها، شواهد نوشتاری و زمان‌بندی‌های اداری تمرکز دارند. این رویه به گونه‌ای است که پناهجو گاه تنها از طریق مکاتبات رسمی در جریان وضعیت خود قرار می‌گیرد؛ جلسات حضوری محدود و گاه فقط از طریق ویدیو کنفرانس انجام می‌شود؛ برخی سیاست‌ها نظیر طرح اخراج سریع[4] در بریتانیا یا برنامه‌های اخراج در مرز[5]در مرزهای اروپای شرقی، اساساً بدون بررسی کامل ادعاهای پناهجو اجرا می‌شوند **(Liodden & Kmak, 2024, p. 218.** از جمله سیاست‌های مهم که در چارچوب این اداری‌سازی صورت می‌گیرد، پیمان‌نامه‌های همکاری با با کشورهای ثالث[6]است. بر اساس این قراردادها – مانند توافق اتحادیه اروپا با ترکیه[7]یا استرالیا با

---

۱ Remain in Mexico

ماندن در مکزیک (به طور رسمی پروتکل های حمایت از مهاجران) یک سیاست مهاجرتی ایالات متحده است که در ابتدا در ژانویه ۲۰۱۹ تحت مدیریت رئیس جمهور دونالد ترامپ اجرا شد و بر مهاجرت از طریق مرز با مکزیک تأثیر گذاشت. این قانون که توسط وزارت امنیت .داخلی اداره می‌شود، از مهاجرانی که به دنبال پناهندگی هستند می‌خواهد تا تاریخ دادگاه مهاجرت ایالات متحده در مکزیک بمانند

۲European Border and Coast Guard Agency

۳bureaucratization

۴Fast-Track Deportation

۵Pushbacks

۶Third Country Agreements

۷EU–Turkey Deal

نائورو – کشورهای میزبان مسئولیت بررسی درخواست پناهندگی را به کشوری دیگر واگذار می‌کنند. این انتقال، معمولاً بدون ضمانت‌های کافی برای حمایت از حقوق بشر انجام می شود(Coleman, 2017, pp. 12–۱۵). این رویه در واقع شکلی از برون‌سپاری اخلاقی است که باعث می‌شود کشور مبدأ مسئولیت حقوقی را به دیگری منتقل کرده و حضور واقعی پناهجو از ساحت حقوقی و سیاسی حذف شود. این روند از نظر اخلاقی و حقوقی نامشروع اما در چارچوب حاکمیت دولت، مجاز قلمداد می شود (Coleman, 2017, p. 8). این فرایند نه‌تنها امکان دفاع مؤثر را از پناهجویان سلب می‌کند، بلکه به معنای نفی حضور سیاسی و انسانی آن‌ها در نظام حقوقی کشور میزبان است. چنین فرایندهایی نیز، به انکار «حق داشتن حقوق» می‌ینجامند (Arendt, ۱۹۵۱/۲۰۲۴, p. 312) تبدیل فرایند پناهندگی به سازوکار مکانیکی و از پیش تعیین‌شده، دارای پیامدهایی عمیق است؛ از جمله انکار عدالت رویه‌ای، حذف حضور پناهجو و فرصت دفاع مؤثر، نقض استانداردهای دادرسی منصفانه و اصل استماع است. همچنین تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده بدون استماع از پناهنده، و تضعیف اصل عدم بازگشت پناهندگان احتمال بازگرداندن افراد به مکان‌هایی که در معرض شکنجه یا مرگ‌اند را افزایش می‌دهد(Schmitt & Kagan, 2024, p. 362). این امر منجر به نقض کرامت انسانی نیز است. از منظر تطبیقی، این اداری سازی با اصل "استماع" در فقه اسلامی (که در قضاوت الزامی است) تعارض دارد. در اسلام، امان شفاهی و فوری ، بدون بوروکراسی پیچیده است . ادغام مکانیسم‌های فقهی مانند «شهادت شفاهی» در فرآیندهای اداری کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان برای کوتاه کردن زمان بررسی و بهبود نرخ موفقیت در کشورهای اسلامی .در ارزیابی اداری، انواع پناهجویان باید متمایز شوند؛ برای مثال، پناهندگان سیاسی ممکن است نیاز به بررسی امنیتی بیشتری داشته باشند، در حالی که پناهندگان زیست محیطی (مانند کسانی از بنگلادش به دلیل سیل) ممکن است با کمبود مدارک مواجه باشند .در اسلام، فرآیند اداری ساده‌تر است و بر اساس «امان»فوری بدون تمایز نوع، اما با اولویت زنان و کودکان (سوره نساآیه ۹۸) .اداری سازی نظام پناهندگی، هرچند ممکن است از حیث نظم و کارآمدی اداری توجیه‌پذیر باشد، اما از منظر حقوق بین‌الملل و اصول عدالت، به معنای واقعی کلمه، به نفی حق پناهندگی منجر می‌شود. چنانچه قرار است پناهندگی همچنان به‌عنوان یک حق جهانی و غیرقابل تقلیل باقی بماند، ضروری است که حضور فعال، امکان دفاع، و فرآیندهای منصفانه دادرسی برای پناهجویان بازگردانده شود. نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری، و دولت‌ها باید به‌جای نگاه ابزاری به فرایندهای اداری، به شخصیت انسانی پناهجو دارای حقوق نگاه کنند، نه صرفاً یک پرونده یا تهدید امنیتی بر اساس معیارهای مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ و تفسیرهای ارائه شده توسط کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR, 2024, para. 178). دولت‌ها با نادیده گرفتن تعهدات خود، مشروعیت سازمان‌هایی مانند کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان یا دادگاه اروپایی حقوق بشر را تضعیف می‌کنند، و عملاً سازوکار حمایت از پناهندگان را فلج می سازند (Schmitt & Kagan, 2025, p. 389). در بسیاری موارد، افراد به کشورهایی بازگردانده می‌شوند که در آنجا با خطر شکنجه، تعقیب یا مرگ روبرو هستند. این اقدام نقض صریح ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ است: «هیچ پناهنده‌ای نباید به کشوری بازگردانده شود که ممکن است جان یا آزادی او در خطر

باشـــد . «دولت‌ها با بهره‌گیری از روایت‌های امنیتی، همچون تهدید تروریســـم یا مهاجرت بی‌رویه، زمینه را برای محدود کردن دســـترســـی به پناهندگی فراهم می‌کنند. دولت‌ها بیش از آنکه پناهندگی را وظیفه‌ای اخلاقی بدانند، آن را تهدیدی برای امنیت داخلی قلمداد می‌کنند **(Schmitt & Kagan, 2024, p. 348).** اگر حقوق بشر و به‌ویژه حق پناهندگی، فاقد پشتوانه نهادی و سیاسی باشند، به امتیازاتی مشروط و موقت بدل خواهند شد. این روند نه تنها مشروعیت اخلاقی دولت‌ها را زیر سوال می‌برد، بلکه بنیان نظم بین‌المللی مبتنی بر کرامت انســـانی را نیز ســـســـت می‌کند. بازتعریف پناهندگی به‌عنوان «حق»، مســـتلزم بازســـازی نهادی نهادهای بین‌المللی، ملزم‌ســـازی دولت‌ها به تعهدات الزام‌آور، و فاصـــله گرفتن از نگاه ابزاری–امنیتی به پدیده پناهندگی اســـت. اداری‌ســـازی روندهای تصـــمیم‌گیری درباره پناهندگان ، به طور طبیعی به تعهدات فراملی دولت‌ها مرتبط می‌شـــود، جایی که محدودیت‌های حاکمیت در برابر الزامات جهانی بررسی می‌شود.

۳-۱ .دولت‌ها و تعهدات فراملی

در فضـــای امروزی که نگرانی‌های امنیتی تشـــدید شـــده اســـت، بحث‌های مربوط به حاکمیت دولت پیرامون حق دولت‌ها برای گشت‌زنی در مرزهایشان و رد پناهجویان در مرزهایشان قوت بیشتری پیدا می‌کنند. **(Zamanpour & Alizadeh, 2024, p. ۳۲۰)**

اعلامیه ۱۹۶۷ در مورد پناهندگی سرزمینی که نتیجه تلاش‌های مختلف ناموفق برای توافق بر سر یک معاهده الزام‌آور است، تأکید می‌کند که اعطای پناهندگی اعمال حاکمیت دولت ا ست، اما تأیید می‌کند که اختیارات دولت‌ها در این زمینه محدود شده ا ست. ماده ۳ (۱) این اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر شخصی که حق ا ستناد به ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارد، نباید در معرض اقداماتی مانند رد کردن در مرز قرار گیرد یا اگر قبلاً وارد سرزمینی شده باشد که در آن درخواست پناهندگی کرده است، اخراج گردد یا به هر کشوری که در آن ممکن است مورد آزار و اذیت قرار گیرد» **(Goodwin-Gill & McAdam, 2024, p. 210)** حق پناهندگی مقرر در ماده ۱۳ (۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ماده ۱۲ (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تأیید شده است و مقرر می‌دارد «هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند...». حق خروج از هر کشور و حق درخواست پناهندگی دو روی یک سکه در زمینه پناهندگی است. علاوه بر این، ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ از اخراج یک پناهنده به رسمیت شناخته شده «مگر به دلایل امنیت ملی یا نظم عمومی» جلوگیری می‌کند .ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به اخراج اتباع بیگانه نیز اشاره می‌کند، اگرچه تنها از حیث شکلی به این امر می‌پردازد و دلایل ماهوی اخراج را مورد برر سی قرار نمی‌دهد. این امر، فر صت کاملی را برای بیگانگان فراهم می‌کند تا راه‌حل‌هایی را در برابر اخراج دنبال کنند که ممکن اســـت فقط به دلایل موجه مربوط به امنیت ملی به حالت تعلیق درآید. حق پناهندگی با گنجاندن ممنوعیت بازگرداندن پناهندگان در کنوانســـیون ۱۹۵۱، توســـط قوانین بین المللی حقوق بشر، به ویژه ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۴ علیه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز[1] تقویت

۱- چنانچه دلایل متقن در مورد تحت شـکنجه قرار گرفتن شـخص وجود داشـته باشـد، هیچ کشـور عضـوی نباید به اخراج، برگرداندن و ویا اسـترداد dمبادرت ورزد .۲- به منظور احراز وجود این گونه دلایل، مقامات صـلاحیت دار عندالاقتضـا کلیه ملاحظات مربوطه از جمله وجود یک الگو رفتاری ثابت از نقض فاحش،آشکار یا ستره حقوق بشر در کشور مربوطه را در نظر می گیرند

شـده اسـت .با این حال دولت‌ها مصـر بودند که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سـیاسـی[1] حق پناهندگی وجود نداشـته باشـد. **(Mavronicola & Lialiouti, 2024, p. 295)**

برنامه عمل وین[2] در سـال ۱۹۹۳ حق درخواسـت پناهندگی و برخورداری از آن را تأیید کرد. مجمع عمومی سـازمان ملل متحد همواره از کشورها خواسته است که به حقوق پناهندگان احترام بگذارند و در شرایطی قرار نگیرند که به اجبار بازگردانده شوند. **(UNGA Resolution 78/156, 2024)**. با وجود فشارها و محدودیت‌های عملی، دولت‌ها نمی‌توانند تعهدات خود را نسبت به انسان‌های بی‌پناه و خارج از مرزهای ملی شان نادیده بگیرند. دولت‌ها باید از نقش انحصاری و محدودکننده خود فراتر رفته و به عنوان شـرکای فعال در ایجاد نظامی عادلانه‌تر، انسـان‌محورتر و پاسـخگوتر در حوزه پناهندگی ایفای نقش کنند. این امر نه فقط یک ضرورت حقوقی، بلکه یک الزام اخلاقی و سیاسی است که به مشروعیت آنها در نظام بین‌الملل مرتبط است. در غیر این صورت، حقوق بشر به عبارتی خالی از معنا تبدیل خواهد شد و دولت‌ها در برابر جهان و تاریخ پاسخگو خواهند بود.

مفاهیم عدالت نباید صرفاً در چارچوب دولت–ملت محدود شوند، بلکه باید بر اساس یک حق بشری، حقوق و تکالیف انسان‌ها نسـبت به یکدیگر در سـطح بین‌المللی بازتعریف شـوند. تفاوت‌های ملی، نژادی، جغرافیایی و فرهنگی نمی‌توانند توجیهی برای بی‌عدالتی در توزیع منابع یا حقوق انسانی باشند. دولت‌ها نه‌تنها در برابر شهروندان خود بلکه در برابر تمام انسان‌ها مسئولیت اخلاقی دارند، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پناهندگی و مهاجرت، توزیع ثروت جهانی، تغییرات زیسـت محیطی. عدالت باید فارغ از مرزهای جغرافیایی و ملیتی تعریف شود و تمامی انسان‌ها، صرف‌نظر از محل تولد، از حقوق برابر برخوردار باشند. دولت‌ها مسئولیت اخلاقی برای حمایت از حقوق انسـانی افراد در سـطح جهان دارند، به‌ویژه در قبال کسـانی که از جنگ، آزار و تبعیض گریخته‌اند. عدالت جهانی الزام می‌کند که دولت‌ها در بازتوزیع منابع و فرصت‌ها به صـورت فراملی عمل کنند و پناهندگان را به عنوان ذی‌حقان واقعی حقوق بشری به رسمیت بشناسند **(Caney, 2005, pp. 120-125).** نظام بین‌المللی باید به گونه‌ای طراحی شود که توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و منابع در جهان را تضمین کند. مرزهای ملی نباید مانعی برای اجرای عدالت در سطح جهانی باشند .کشورهای ثروتمند باید مسئولیت بیشتری برای پذیرش پناهندگان، بازتوزیع منابع و اصلاح ساختارهای جهانی بپذیرند و دولت‌ها باید به جای عمل فردی، همکاری و هماهنگی گسترده برای تقسیم عادلانه بار حمایت از پناهندگان داشته باشند **(Pogge & Moellendorf, p. 195, ۲۰۲۴)**نظام‌های لیبرال–دموکراتیک نمی‌توانند به اصول خود وفادار بمانند در حالی که حقوق بنیادین مانند پناهندگی، ورود، و اقامت را از افراد سـلب کنند. محدودیت‌های ملیتی در پذیرش پناهندگان نباید به مثابه نفی حقوق بنیادین انسـان‌ها در نظر گرفته شود. آزادی رفت و آمد در داخل و خارج از مرزها یک حق اساسی بشری است و جوامع دموکراتیک باید این حق را به رسمیت شـناخته و سـازوکارهایی برای تسـهیل پذیرش و ادغام پناهندگان ایجاد کنند . پناهندگان نه به‌عنوان تهدید، بلکه به‌عنوان ذی‌حقان حقوق بشری به رسمیت شناخته شوند و دولت‌ها دموکراسی باز و جوامع پذیرای چندفرهنگی باشند. پناهندگی آزمون واقعی تعهد

[1] ICCPR
[2] Vienna Declaration and Programme of Action (VDPA)

دولت‌ها به مفهوم حقوق بشـــر اســـت. اگر دولت‌ها در این آزمون مردود شـــوند، مشـــروعیت اخلاقی‌شـــان نیز زیر ســـوال می‌رود **(Benhabib, 2004, p. 138).** تعهد واقعی دولت‌ها به حقوق بشـر نه در شـعارهای دیپلماتیک بلکه در عمل به مسـئولیت‌های خود در قبال پناهندگان و آوارگان نمایان می‌شود. دولت‌ها نه‌فقط بازیگران اجرایی، بلکه معماران نظام پناهندگی هستند. در جهانی که تعداد بی‌تابعیتان، جنگ‌زدگان و آوارگان در حال افزایش اســت، دولت‌ها باید از نقش بازدارنده به جایگاه پاســخ‌گو، و از کنترل‌گر به سمت شریک اخلاقی و حقوقی تغییر جهت دهند. حق پناهندگی، پیش از آن‌که لطفی باشد از سوی دولت، وظیفه‌ای است بر دوش آن‌ها؛ و مادامی که دولت‌ها از این وظیفه شانه خالی کنند، حقوق بشر نیز به افسانه‌ای خوش‌ظاهر اما تهی از معنا تبدیل خواهد شد. از منظر تطبیقی، این تعهدات فراملی با مفهوم «خلافت» در اســـلام (الماوردی، ۱۴۱۰، ص ۷۶) همخوانی دارد که حاکم را موظف به حمایت فراملی می‌داند. ایجاد پروتکل‌های دوجانبه میان کشورهای اسلامی و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، برای تقسیم بار پناهندگان، می‌تواند هزینه‌های میزبانی از پناهندگان را کاهش دهد **(OIC, 2017).** در تعهدات فراملی، دولت‌ها باید انواع پناهجویان را در نظر بگیرند؛ برای مثال، پناهندگان جنگی (مانند ســـوری‌ها) نیاز به حمایت فوری دارند، در حالی که پناهندگان زیست محیطی (مانند جزیره‌نشینان اقیانوس آرام) ممکن است به تعهدات بلندمدت نیاز داشته باشند. اسلام این تعهدات را بدون تمایز نوع الزامی می‌داند (ســـوره توبه، آیه ۹)، با وجود این تعهدات فراملی به حقوق پناهندگان در نظریه و عمل جایی که شـــکاف میان ایده‌آل و واقعیت عمیق‌تر تحلیل می‌شود، باید مورد ارزیابی قرار بگیرد.

۴-۱. حقوق پناهندگان در نظریه و عمل

حقوق پناهندگان در نظریه و عمل، همواره میان دو قطب «حق بنیادین» و «امتیاز مشـروط» در نوسـان بوده اسـت. اگرچه اسـناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان، پناهندگی را به‌عنوان حقی بشری معرفی می‌کنند، اما در عمل، بسیاری از دولت‌ها این حق را در قالب امتیازی تابع ملاحظات سیاسی، امنیتی یا اقتصادی بازتعریف می‌کنند. «حق داشتن حقوق» به‌عنوان نخستین و اساسی‌ترین حق بشر است. در جهانی که حقوق بشر تنها بر مبنای انسان‌بودن تعریف شده، اما فاقد ضمانت اجرا در غیاب دولت–ملت است، این حقوق عملاً تهی می‌شوند. حق اساسی انسان، حق داشتن حقوق است؛ و این تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فرد عضوی از یک جامعه سیاسی باشد. وضعیت بی‌تابعیت‌ها و پناهندگان در قرن بیستم هشدار می‌دهد که حقوق بشر، در غیاب نهادهای سـیاسـی مؤثر، صـرفاً به آرمان‌هایی بی‌پشـتوانه تقلیل می‌یابد. در عمل، پناهندگی اغلب نه به‌عنوان یک حق الزام‌آور، بلکه چونان ژستی بشردوستانه یا تصمیمی سیاست‌محور درک می‌شود **(Hathaway, 2005, p. 323).** بسیاری از کشورها تعهدات خود را در چارچوب کنوانسـیون ۱۹۵۱ به شـکل انتخابی و حتی تحریف‌شـده اجرا می‌کنند. اصـل عدم بازگرداندن که در ماده ۳۳ کنوانسیون تصریح شده، به‌رغم جایگاه عرفی و الزام‌آورش، در بسیاری از سیاست‌های اجرایی دولت‌ها نقض می شود. با وجود پذیرش جهانی تعریف پناهنده، گرایش نگران‌کننده‌ای میان دولت‌ها وجود دارد که تعهداتشان را به‌شکلی محدود و تنگ‌نظرانه تفسیر کنند، به‌نحوی که هنجار آمره‌ی عدم بازگرداندن را تضعیف می‌کند. این وضعیت نه صرفاً نقض اجرایی، بلکه نقض صریح حقوق

بین‌الملل عرفی است؛ زیرا اصل عدم بازگشت از جمله معدود قواعدی است که حتی در زمان صلح و جنگ، در هر شرایطی، لازم‌الاجراست **(Ibid, pp. 326–328).** روندهایی مانند ممانعت در مرزها، بازداشت گسترده، انتقال به کشورهای ثالث و اخراج سریع مصادیقی از این رویکرد سیاست‌محور دولت‌ها هستند **(Ibid ,pp. 279–285).** این شیوه‌ها عملاً موجب می‌شود پناهجویان حتی نتوانند وارد مرحله بررسی درخواست شوند، چه رسد به بهره‌مندی از حقوق خود. بحران مشروعیت در سیاست‌های پناهندگی امروز جهان ا ست؛ جایی که دولت‌ها، به‌نام حفظ حاکمیت ملی و امنیت، حق پناهندگی را از یک تعهد حقوقی به یک امتیاز سیا سی تقلیل داده‌اند. باید با بازگ شت به روح کنوان سیون ۱۹۵۱ ، پناهندگی به‌مثابه حق فردی، الزام‌آور و غیرقابل نقض، شنا سایی شود. از منظر تطبیقی، این نظریه با «حق امان» در اسلام همخوانی دارد که فقیهان آن را الزامی می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۱۷، ص ۱۶۵)، حمایت اسلام از همه پناهندگان می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای اصلاح کنوانسیون‌های بین‌المللی استفاده شود و شکاف میان نظریه و عمل در چارچوب دولت، با ارائه چارچوبی شرعی و اخلاقی منطبق با موازین اسلام، تکمیل و تعدیل گردد.

□. پناهندگان و حق بر داشتن حقوق در اسلام

اسلام به عنوان دینی جامع، با تأکید بر کرامت ذاتی انسان (سوره اسراء:۷۰) و حمایت از بی‌پناهان، می تواند پارادوکس حاکمیت دولتی و محدودیت‌های عملی آن را در حقوق بین‌الملل پرکند و با همگرایی اصول مشترک، زمینه را برای تحلیل مفهوم «حق بر داشتن حقوق» فراهم آورد.

۱-۲ .بنیادهای شرعی حمایت از پناهندگان

۱-۱-۲ .قرآن و سنت

اسلام همواره، حمایت از بی‌پناهان و پناهندگان را امری واجب و نشان‌دهنده اخلاق اسلامی دانسته است. در آیه ۱۰ سوره حجرات خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» مؤمنان برادر یکدیگرند. این آیه دلالت بر اهمیت همبستگی اجتماعی دارد که در مورد پناهندگان نیز قابل تعمیم است .قرآن کریم پناه دادن به مظلومان را نشانه تقوا و عدالت می‌داند؛ آیه ۶ سوره توبه «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» به این معناست که اگر یکی از مشرکان از شما پناه خواست، باید به او پناه دهید تا سخنان خدا را بشنود، و سپس او را به محل امنش برسانید. این آیه نشان دهنده تساهل و مدارای اسلام با پیروان سایر ادیان است و تأکید دارد که حتی کسانی که با مسلمانان تفاوت عقیده دارند، باید از امنیت برخوردار با شند و فر صت شنیدن کلام خدا را دا شته با شند. مفسران همچون فخر رازی، این آیه را نشانه مشروعیت پناه دادن حتی به غیرمسلمانان دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۸۵). امام علی(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، بر عدالت اجتماعی و حفظ کرامت مظلومان تأکید می‌کند که می‌توان آن را به حقوق پناهندگان تعمیم داد. در تاریخ ا سلام، مهاجران (مهاجرین به مدینه) در دوره پیامبر به عنوان اعضای جامعه با تمام حقوق سیا سی و اجتماعی پذیرفته شدند. فقیهان مسلمان در فتاوای خود، پذیرش و حمایت از پناهندگان را از مصادیق حفظ جان و مال و کرامت انسانی دانسته‌اند **(Hallaq, 2009, p. 214).** پیامبر اسلام(ص) نیز در احادیث متعدد مسلمانان را به مهربانی با بی‌پناهان و

پناهندگان تو صیه کرده ا ست: «الْمُ سْلِمُ أَخُو الْمُ سْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُ سَلِّمُهُ.» «م سلمان برادر م سلمان ا ست؛ نه ظلم می‌کند و نه او را تحویل دشـــمن می‌دهد.» (بخاری، حدیث ۲۴۴۲). این حدیث نشـــان‌دهنده اهمیت حمایت اجتماعی از پناهندگان و جلوگیری از هرگونه ظلم به آنان است. در شرایط اضطراری، حتی اموال حکومت اسلامی باید برای حمایت از بی‌پناهان و نیازمندان صرف شود و این امر از م صادیق «نفقه عمومی» ا ست (ابن قدامه، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۱۶۵) .در سنت نبوی نیز، پیامبر ا سلام (ص) در هنگام هجرت مسلمانان به حبشه، آنان را به فرمانروایی عادل سپرد و این اقدام را نوعی جهاد در راه حفظ کرامت انسانی دانست (ابن هاشم، ۱۴۲۱ ه. ق، ص ۳۲۱). فقه ا سلامی، وظایف دولت را در چهارچوب «مقا صد شریعت» تبیین می‌کند: حفظ جان، دین، عقل، ن سل و مال. پذیرش پناهندگان، به‌ویژه آنانی که در معرض تهدید حیات هستند، مصداق صریح حفظ نفس و کرامت است (کمالی، ۲۰۰۸م، ۱۱۴). بر امام واجب است که به مظلومان از غیرمسلمانان پناه دهد، مادامی که در سرزمین اسلامی حضور دارند (الماوردی، ۱۴۱۰ ه. ق، ص ۷۶). امنیت پناهنده باید تا زمان رفع خطر تضمین شود، و در صورت نیاز، بیت‌المال موظف به تأمین معاش اوست (ابن قدامه، ۱۴۱۷ هـ ق، ص ۱۶۵). از منظر تطبیقی، این بنیادها با اصل عدم تبعیض در پروتکل ۱۹۶۷ همخوانی دارند و می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای استنباط و صدور احکام بین‌المللی در چارچوب سازمان همکاری ا سلامی قرار گیرند. در بنیادهای شرعی، ا سلام انواع پناهجویان را بدون تمایز سختگیرانه پو شش می‌دهد، اما اولویت‌هایی قائل ا ست: پناهندگان مذهبی (مانند مهاجرین برای حفظ دین، آیه ۹۷ سوره النساء)، سیاسی (حمایت از مظلوم در برابر ظلم حاکمان)، جنگی در درگیری‌ها، (آیه ۷۲ سوره انفال) ، اقتصادی (فرار از ناامنی مالی، بر ا ساس فقه ابن العربی) و زیست محیطی (بیماری یا بلایای طبیعی). زنان و کودکان در همه انواع حمایت ویژه دارند (آیه ۷۵سوره ن سا) .این گ ستردگی حمایت ا سلامی، مکمل محدودیت‌های حقوق بین‌الملل ا ست .این بنیادهای قرآنی و نبوی، به طور م ستقیم به نقش سازمان همکاری اسلامی در مرتبط می‌شوند، جایی که این اصول در سطح نهادی توسعه می‌یابند.

۲-۲ .نقش سازمان همکاری اسلامی در توسعه گفتمان حقوق پناهندگان

سازمان همکاری ا سلامی[1]، به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد بین‌الدولی جهان ا سلام با ۵۷ ک شور ع ضو، نقش مهمی در تو سعه گفتمان حقوق بشر و حقوق پناهندگان از منظر اسلامی ایفا می‌کند. از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۶۹، این سازمان در اسناد رسمی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به طور ویژه بر لزوم رعایت کرامت انسانی پناهندگان، بدون تبعیض مذهبی یا قومی تأکید داشته است .در ماده ۱۲ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در ا سلام[2](۱۹۹۰) ت صریح شده ا ست: «هر انسان در زمان جنگ یا در صورت وقوع ظلم، حق دارد پناه بجوید. جامعه ا سلامی باید به او پناه دهد تا زمانی که امنیت او تأمین گردد.» این ماده، پناهندگی را در قالب یک تکلیف انسانی و اسلامی جامعه اسلامی تعریف می‌کند که محدود به مسلمانان نیست، بلکه تمامی انسان‌ها را شامل می‌شود .در نشست وزرای امور خارجه ک شورهای ع ضو سازمان همکاری ا سلامی در ا سلام‌آباد (۲۰۱۷)، بیانیه‌ای صادر شد که در آن تأکید ویژه‌ای بر م سئولیت دولت‌های اسلامی در قبال پناهندگان – به‌ویژه در موارد بحرانی مانند سوریه، میانمار (روهینگیا) و فلسطین – شده است. در این بیانیه

[1] Organisation of Islamic Cooperation(OIC)
[2] Cairo Declaration on Human Rights in Islam

مقرر شده است: « سازمان همکاری اسلامی بر حق بازگشت تمامی پناهندگان و آوارگان با امنیت و کرامت تأکید کرده و از تمامی کشورهای عضو می‌خواهد که صرف‌نظر از دین یا منشأ قومی، حمایت و کمک‌های بشردوستانه را فراهم آورند (OIC Council of Foreign Ministers, Islamabad Communiqué, 2017, para. 9)». این بیانیه نشان می‌دهد که سازمان همکاری اسلامی با اتکا به اصول شریعت، در تلاش است میان وظایف شرعی دولت‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه هم‌راستایی ایجاد کند. در پیش‌نویس منشور حقوق بشر اسلامی[1] نیز اصل کرامت انسانی به‌عنوان مبنای حقوق پناهندگان معرفی شده است. این اصل، همسو با آیات قرآنی مانند آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» است و پناهندگی را در بستر حقوق الهی و فطری انسان‌ها تعریف می‌کند، نه صرفاً یک امتیاز سیاسی یا اداری. اسلام با تأکید بر کرامت ذاتی انسان و همبستگی اجتماعی، حق برداشتن حقوق را برای همه، از جمله پناهندگان، به رسمیت می‌شناسد. این حق شامل حمایت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و دولت‌ها و جوامع اسلامی را موظف می‌سازد که از پناهندگان حمایت کنند. در عصر معاصر، تطبیق این اصول با چارچوب‌های حقوق بین‌الملل می‌تواند راهگشای حل بحران‌های پناهندگی در جوامع مسلمان باشد. با وجود تأکیدات نظری قوی در اسناد رسمی سازمان همکاری اسلامی، برخی محققان بر چالش‌های اجرایی و ناهماهنگی میان مواضع رسمی و رفتار برخی کشورهای عضو تأکید دارند. چارچوب حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی در سطح نظری قدرتمند است، اما در عمل با ضعف در سازوکارهای اجرایی و تفرق سیاسی اعضا مواجه است **(Beauchemin, 2020, p. 122).** مجموع اسناد رسمی نشان می‌دهد که گفتمان حقوق پناهندگان در جهان اسلام، برخلاف تصور رایج، ریشه‌ای قوی در آموزه‌های اسلامی و اخلاقی دارد. تأکید بر پناهندگی نه‌فقط به‌مثابه امتیاز، بلکه به عنوان وظیفه شرعی و انسانی از مهم‌ترین دستاوردهای این رویکرد است. با این حال، برای تحقق عملی این اهداف، تقویت سازوکارهای نظارتی و الزام‌آور در درون سازمان همکاری اسلامی و هم‌راستایی با نهادهای بین‌المللی ضروری است. بنظر می رسد ایجاد یک دادگاه تخصصی سازمان همکاری اسلامی برای بررسی موارد نقض حقوق پناهندگان، می‌تواند با دیوان بین‌المللی دادگستری همکاری کند و حل اختلافات را تسریع بخشد. سازمان همکاری اسلامی می‌تواند در توسعه گفتمان، انواع پناهجویان را متمایز کند؛ برای مثال، تمرکز بر پناهندگان جنگی (سوریه) و مذهبی (روهینگیا) با پروتکل‌های خاص. در اسلام، حمایت از پناهندگان نه امری صرفاً سیاسی بلکه یک تکلیف شرعی برای دولت‌ها و جامعه است. نادیده گرفتن این وظیفه، به منزله عدول از اصول انسانی، اخلاقی و دینی است که شریعت بر پایه آن‌ها استوار است. بنابراین، دولت‌های اسلامی نه‌تنها مجاز به پذیرش پناهندگان هستند، بلکه شرعاً و اخلاقاً موظف به حمایت مؤثر، عادلانه و پایدار از آنان‌اند. این حمایت شامل تامین امنیت، معیشت، حقوق انسانی و کرامت آنان می‌شود. نادیده گرفتن این مسئولیت، خلاف آموزه‌های اسلامی و عدالت اجتماعی محسوب می شود. این دیدگاه اسلامی، با ارائه چارچوبی اخلاقی-شرعی، همگرایی با حقوق بین الملل را در سطح نظری یکپارچه می‌سازد.

۱. حق بر داشتن حقوق و پناهندگان

[1] (OIC Draft Charter, 2008, Art. 1 & 14)

حق برخورداری از حقوق پاسخ به شکست حقوق بشر در حمایت از پناهندگانی است که در نتیجه دو جنگی که قاره اروپا را ویران کرده بود در سراسر اروپا پراکنده شدند.اختصاص داشتن قانون به یک قلمرو جغرافیایی موجب محرومیت فرد از مزایای آن قانون در قلمرو جغرافیایی دیگر می شود، لذا پناهنده پس از مهاجرت در هیچ کشوری از حقوق شهروندی و حقوق سیاسی برخوردار نیستند. در واقع پناهنده بدون حضور واقعی در نظام حقوقی است. پناهندگان با از دست دادن حمایت یک دولت داخلی در جایی که قادر به استناد به قوانین بین المللی در برخورداری از حمایت نباشند، از «برهنگی انتزاعی انسان بودن و چیزی جز انسان بودن» رنج می برند**(Oudejans ,2014: 323) ,** این وضعیت « حالت استثنایی »[1] است؛ جایی که قانون به حالت تعلیق درآمده و زندگی انسان به «زندگی برهنه»[2]تبدیل می‌شود و انسان موجودی زیست‌مند اما بی‌حق**.(Agamben, 1998, p. 131)**

قانون به معنای «پیوند پایدار» است، در واقع قانون مردم را نه به اجبار یا دستور، بلکه از طریق تعامل متقابل به یکدیگر پیوند می‌دهد**(Oudejans ,2014: 323)**بدون وجود قانونی که از پناهندگان حمایت کند، پناهندگان در توانایی خود جهت تعامل با دیگران ناکام می شوند. پناهندگان که در توانایی ساختن و تغییر یک دنیای مشترک همراه با دیگران محروم هستند به معنای سیاسی «بدون جهان» هستند. بنیادی‌ترین بعد جهان، قلمرو عمومی است؛ تنها در قلمرو عمومی است که استعداد ها شکوفا می شود و ما به واقعیت کامل خود به عنوان یک انسان دست می یابیم. زندگی بدون تعامل با دیگران، به معنای واقعی کلمه برای جهان مرده است و دیگر زندگی بشری نیست. حق برخورداری از حقوق نشان دهنده وضعیت بی‌حقوقی کامل پناهنده در وضعیتی است که هیچ دولتی در سطح بین المللی از او حمایت نمی‌کند و از دنیای زندگی عمومی طرد شده است. این حق به عنوان «حق تعلق به نوعی جامعه سازمان‌یافته» قابل بررسی است. زندگی انتزاعی به معنای زندگی خصوصی پناهنده است و در مقابل زندگی عمومی پناهنده قرار گرفته است در این وضعیت پناهنده با دیگران تعامل ندارد. زندگی پناهنده با طرد شدن از قلمرو عمومی و قرار گرفتن در سکوت و تاریکی قلمرو خصوصی، منجر به ایجاد شکافی بین قلمرو عمومی و قلمرو خصوصی حیات پناهنده شده است. این شکاف، منبع اصلی حق داشتن حقوق است**(Edwards, op.cit, p 323)**

حقوق بشر، به‌عنوان حقوقی جهان‌شمول، در نبود نهادهای سیاسی‌ای که از آن‌ها حمایت کنند، به سرعت فرو می‌پاشد. هنگامی که دیگر هیچ انسانی نتواند از حقوق بشر بهره‌مند شود، دیگر نه حقوق بشر بلکه ابزاری تبلیغاتی هستند. حقوق بشر در خلأ اجتماعی و سیاسی، تنها اعلامیه‌ای اخلاقی باقی می‌ماند بنیادی‌ترین حق بشر آزادی و برابری نیست، بلکه عضویت در جامعه ای است که در آن آزادی و برابری معنادار باشد. «حق داشتن حقوق، نه یک حق خاص، بلکه پیش‌شرطی برای تحقق هر حق دیگر است؛ چراکه بدون عضویت در یک جامعه‌ی سیاسی، سایر حقوق – حتی اگر در اسناد بین‌المللی ذکر شده باشند – فاقد ضمانت اجرایی‌اند **(Goodwin-Gill & McAdam, 2021, p. 45).**

---

[1] state of exception

[2] bare life

زیرا حقوق بشر حقوقی است که به واسطه‌ی مشارکت سیاسی در یک جامعه معنا پیدا می‌کند، نه صرفاً به‌عنوان اعطایی از سوی نهادها یا اسناد حقوقی بین‌المللی.در این حالت، پناهنده «نه شهروند است، نه بیگانه‌ی قانونی، بلکه موجودی است در حاشیه‌ی قانون **(chmitt & Kagan, 2023, p. 520)**همین وضعیت باعث می شود که پناهندگان در بسیاری از مواقع به صورت فیزیکی در اردوگاه‌ها محدود شده، یا به حاشیه‌ی جوامع شهری رانده شوند، بی‌آنکه به نهادهای دموکراتیک یا فرآیندهای سیاسی دسترسی داشته باشند. اردوگاه‌ها نماد معاصر بی‌تابعیتی‌اند؛ جایی که انسان‌ها از حق داشتن حقوق محروم شده‌اند**.(Benhabib, 20۰۴, p. 56)** در دنیایی که «حق، بدون دولت، وجود ندارد»، افراد بی‌دولت – پناهندگان، آوارگان، افراد بدون تابعیت – به طور کامل از حوزه‌ی اخلاقی و حقوقی خارج می‌شوند.

اگر حقِ برخورداری از حقوق منوط به مشارکت سیاسی و شناسایی توسط نهادهای حاکمیتی است، پس راه‌حل حمایت از پناهندگان تنها در اعطای کمک‌های بشردوستانه خلاصه نمی‌شود، بلکه مستلزم بازاندیشی در ساختار شهروندی و مرزهای اخلاقی دولت–ملت است. اینجاست که برخی متفکران پیشنهاد می‌کنند که مفهوم «شهروندی انعطاف‌پذیر» جایگزین مدل بسته و انحصاری تابعیت گردد **.(Benhabib, 2004, p. 174)**

۱-۳ .نقد ساختار دولت–ملت: ناسازگاری با حقوق جهان‌شمول

در بنیان حقوق بشر مدرن تناقضی وجود دارد: این حقوق در اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به‌مثابه حقوق جهان‌شمول انسان مطرح شده‌اند، اما در عمل تنها در چهارچوب دولت‌ها قابل اعمال‌اند. از نظر آرنت «زمانی‌که انسان، تابعیت خود را از دست می‌دهد، نه تنها شهروندی بلکه انسانیت حقوقی خود را نیز از دست می‌دهد **.(Arendt, 1951, p. 295)** در واقع، دولت–ملت مدرن نه تنها محافظ حقوق بشر نیست، بلکه در مواردی فعالانه در محروم‌سازی برخی گروه‌ها از این حقوق نقش دارد. «مشکل واقعی این نیست که پناهندگان حق ندارند، بلکه این است که آنها دیگر در جایگاهی نیستند که بتوانند حقی داشته باشند **.(Ibid.)** نظریه «حق بر داشتن حقوق» افقی برای بازاندیشی در نهادهای حقوقی و سیاسی جهانی نیز می‌گشاید. از این رو باید به سوی نوعی « شهروندی پساملیتی[1]» حرکت کنیم که در آن حقوق افراد مستقل از تابعیت ملی‌شان تضمین گردد **.(Benhabib, 2004, pp. 167–174)**حقوقی که بدون سازوکار ضمانت اجراست، در نهایت صرفاً نوعی «آرزو» است، نه حق **.(Hathaway, 2005, p. 41)**پناهندگان و افراد بی‌تابعیت چالش‌برانگیزترین آزمون برای کارآمدی واقعی حقوق بشر هستند. ایجاد نهادهایی بین‌المللی با ضمانت اجرایی واقعی برای پناهندگان و بی‌تابعیت‌ها ضرورت دارد. نظام‌های فعلی حقوقی بین‌المللی برای تضمین «حق بر داشتن حقوق» ناکافی است. ایجاد قانون الزام‌آور در سطح بین‌المللی باید شخصیت حقوقی افراد را فارغ از تابعیت ملی‌شان تضمین کند تا حق بر داشتن حقوق به صورت قانونی نهادینه شود و فقدان تابعیت دیگر به معنای فقدان کل حقوق نباشد. اصلاح منشور ملل متحد برای ایجاد یک کمیسیون فراملی شهروندی، که با اصول اسلامی «عدالت جهانی» همخوانی داشته

۱post-national citizenship

باشد و بی‌تابعیتی را کاهش دهد .در نقد، ساختار دولت–ملت برای انواع مختلف ناسازگار است؛ پناهندگان اقتصادی اغلب خارج از پوشش قرار می‌گیرند، در حالی که اسلام آن‌ها را تحت عنوان «حمایت از مظلوم» شامل می‌کند .این ناسازگاری با تعریف گسترده اسلامی برجسته‌تر است .این نقد نظری، به مثال عملی وضعیت پناهندگان و آوارگان ناشی از بحران غزه گذار می‌کند، جایی که بی‌حقوقی ساختاری به جابه‌جایی فرامرزی منجر شده و ارتباط مستقیم با پناهندگی برقرار می‌کند.

۲-۳ .وضعیت پناهندگان و آوارگان ناشی از بحران غزه به عنوان نمونه‌ای از بی‌حقوقی ساختاری

بحران غزه نه تنها نمونه‌ای از بی‌حقوقی ساختاری در چارچوب دولت–ملت است، بلکه مستقیماً به پدیده پناهندگی و آوارگی فرامرزی مرتبط است. ساکنان غزه – که عمدتاً از نسل پناهندگان ۱۹۴۸ هستند[۱]– در وضعیت محاصره دائمی زندگی می‌کنند که حقوق بنیادین آن‌ها را نقض کرده و بسیاری را به رانده شدگان و پناهجویان بالقوه یا واقعی تبدیل می‌کند. طبق گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان **(۲۰۲۵-۲۰۲۳)**، بیش از ۱,۹ میلیون نفر در غزه آواره داخلی شده‌اند، و هزاران نفر تلاش کرده‌اند از طریق مرزها (به مصر، اردن یا اروپا) پناهندگی درخواست کنند، اما با موانع شدید مواجه هستند. این وضعیت، مصداق عینی پارادوکس «حق برداشتن حقوق» است: افراد دارای تابعیت رسمی (فلسطینی) هستند، اما بدون حمایت سیاسی واقعی، به بی‌حقوقی سقوط کرده‌اند و بسیاری به پناهجویان فرامرزی تبدیل شده‌اند .محاصره غزه از سال ۲۰۰۷، نابودی زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس**(UNESCO, 2023)** ، و حملات مداوم، نه تنها آوارگی داخلی ایجاد کرده، بلکه موج‌های پناهندگی به خارج را تحریک کرده است. برای مثال، در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۳، هزاران غزه‌ای از طریق تونل‌ها یا دریا به مصر یا اروپا گریخته‌اند و درخواست پناهندگی داده‌اند، اما اغلب به عنوان «مهاجر اقتصادی» رد شده‌اند، در حالی که آزار جنگی (ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱) آشکار است **.(B'Tselem, 2023; UN OCHA, 2024)** این رانده‌شدگان، نمونه‌ای از پناهندگان جنگی هستند که اصل عدم بازگرداندن (ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱) را نقض می‌کند. از منظر اسلامی، این وضعیت با آیه ۶ توبه همخوانی ندارد که پناه به مظلوم را الزامی می‌داند، حتی اگر غیرمسلمان باشد .در اسلام، این افراد مستجیر فوری محسوب می‌شوند .غزه نشان می‌دهد چگونه بی‌حقوقی داخلی (ساکنان محاصره‌شده) به پناهندگی فرامرزی (رانده‌شدگان به کشورهای همسایه) منجر می‌شود: بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۲۴ به اردن یا مصر پناه برده‌اند **.(UNHCR Global Trends, 2025)** این مثال، نقص ساختار دولت–ملت در حفاظت از حقوق را برجسته می‌کند و نیاز به شهروندی فراملی را نشان می‌دهد. ایجاد صندوق اسلامی- کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان برای حمایت از پناهندگان غزه در کشورهای میزبان، با تمرکز بر آموزش و بهداشت، می‌تواند بازگشت اجباری را کاهش دهد و ادغام را تسهیل کند .این مثال عملی از ارتباط بی‌حقوقی ساکنان با پناهندگی رانده شدگان، نیاز به اقدامات نهادهای بین‌المللی را برجسته می‌کند

---

۱ «بن گوریون» اولین نخست‌وزیر اسرائیل طرح اخراج و کوچاندن اجباری فلسطینیان معروف به «دالت» را در جریان جنگ ۱۹۴۸ عملی کرد. این طرح با اخراج مردم بومی، ملت فلسطین را به گروهی پناهنده تقلیل داد و سبب سلطه گروه‌های صهیونیستی بر شهرها و روستاهای فلسطینی و کشتار فلسطینیان با هدف ایجاد رعب و وحشت شد.

□. اقدامات نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها برای تحقق «حق بر داشتن حقوق»:

۴-۱. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان[۱] مهم‌ترین نهاد بین‌المللی در حفاظت از پناهندگان و افراد بی‌تابعیت است. این نهاد در اسناد خود صراحتاً اعلام کرده که تابعیت، پیش شرط بهره‌مندی مؤثر از حقوق بشر است و در این راستا اقداماتی نیز انجام شده است **(UNHCR, 2014, p. 3)**.

۱. کارزار پایان بی‌تابعیتی[۲] تا سال ۲۰۳۰: هدف این برنامه پایان دادن به پدیده بی‌تابعیتی از طریق حمایت قانونی، اعطای تابعیت، و اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز در سراسر جهان است. تاکنون کشورهای متعددی در آسیا و آفریقا با حمایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان قوانین تابعیت خود را اصلاح کرده‌اند.

۲. نقشه جهانی بی‌تابعیتی[۳]: این ابزار نظارت منطقه‌ای، برای رصد وضعیت حقوقی بی‌تابعیت‌ها به‌کار می‌رود و راهبردهای ملی را با استانداردهای بین‌المللی مقایسه می‌کند.

۳. تأکید بر ثبت تولد: یکی از اقدامات مهم کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان ترویج ثبت تولد همه کودکان – حتی در اردوگاه‌ها و مناطق اشغال‌شده – به عنوان اولین گام برای به رسمیت شناخته شدن شخصیت حقوقی است **(UNHCR, ۲۰۱۹, p. 17)**.

در صورت ادغام اقدامات مورد نظر با چارچوب‌های حقوقی و سیاستی سازمان همکاری اسلامی، انتظار می‌رود سطح کارایی و هم‌سویی با موازین بین‌المللی افزایش یابد این ادغام می‌تواند حمایت از انواع پناهندگان خارج از کنوانسیون ۱۹۵۱ مانند پناهندگان زیست محیطی را تقویت کند.

۴-۲. اقدامات منطقه‌ای و ملی

اتحادیه اروپا، به‌ویژه پس از بحران مهاجرتی ۲۰۱۵، سیاست‌های جدیدی برای شناسایی و حمایت از پناهندگان طراحی کرده است. از جمله آن‌ها، سیستم تعیین وضعیت مشترک پناهندگی اروپا[۴] است که تلاشی برای استانداردسازی حداقل حقوق برای همه پناهندگان در کشورهای عضو، از جمله حق آموزش، بهداشت و دسترسی به دادگاه است **(European Commission, 2023; UNHCR, 2024, p. 28)**.

---

۱ UNHCR
۲ IBelong Campaign
۳ Statelessness Index
۴ Common European Asylum System – CEAS

در سطح نظام حقوقی ملی، کشور آلمان، پس از بحران ۲۰۱۵، برنامه‌ای موسوم به طرح یکپارچه[۱] اجرا کرد که نه‌تنها اقامت قانونی، بلکه مسیر مشخصی به سوی شهروندی برای پناهندگان تعریف کرد. مهم‌تر از آن، آلمان بر مشارکت سیاسی محلی (در سطح شوراها) تأکید کرد – گامی مهم برای تحقق مشارکت سیاسی است **(BAMF, 2022) .**

اکوادور یکی از معدود کشورهایی است که در قانون اساسی خود (ماده ۴۱) تصریح کرده است هر انسانی، صرف‌نظر از تابعیت، حق دارد از حمایت دولت در برابر تهدیدات بهره‌مند شود. **(Constitución de Ecuador, 2008/2021)**

کانادا از معدود کشورهایی است که سیاست مهاجرت مبتنی بر نیاز اجتماعی دارد، و در آن، حتی پناهندگان می‌توانند تحت برنامه حمایت اجتماعی کلی جذب و به سرعت در فرایند شهروندی وارد شوند.[۲] پناهندگان در کانادا از برنامه‌هایی مانند برنامه کمک به ا ستقرار[۳] بهره‌مند می شوند، که شامل حمایت مالی و خدمات ا ستقرار برای شش هفته اول پس از ورود ا ست. همچنین، برنامه‌های مانند پناهندگان تحت حمایت دولت[۴] و حمایت خصوصی[۵] وجود دارد که به یکپارگی پناهندگان کمک می‌کند. طبق وب‌سایت ر سمی دولت کانادا (آخرین به‌روزر سانی ۲۱ فوریه ۲۰۲۵)، پناهندگان پس از دریافت و ضعیت محافظت شده می‌توانند برای اقامت دائم اقدام کنند، و پس از سه سال اقامت دائم، برای شهروندی درخواست دهند**. (IRCC, 2024)**

با وجود این، بسیاری از کشورها از ترس «ازدحام پناهندگان» حاضر به پذیرش حقوق کامل سیاسی برای افراد بی‌تابعیت نیستند. استانداردهای حقوقی درباره‌ی بی‌تابعیتی هنوز الزام‌آور نیستند. نهادهای بین‌المللی مانند کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان وابسته به همکاری دولت‌ها هستند و ضمانت اجرایی قوی ندارند**(. UNHCR, 2024, p. 50)**

از این رو تحقق کامل «حق بر دا شتن حقوق» نیازمند بازنگری بنیادین در مفهوم شهروندی؛ قانون‌گذاری جهانی برای شنا سایی شخصیت حقوقی مستقل از تابعیت؛ تقویت ضمانت‌های اجرایی برای حمایت از پناهندگان و بی‌تابعیت‌ها و توسعه شهروندی پساملیتی در سطح منطقه‌ای (مانند اتحادیه اروپا) است. بنظر می رسد ایجاد یک مدل حقوقی ـــ نهادی ترکیبی در کشورهای اسلامی، از جمله ترکیه، با هدف تلفیق اصول فقه اسلامی و نظام حقوقی اروپایی، به‌منظور ارتقای سازوکارهای ادغام پناهندگان، به‌ویژه آوارگان جنگی غزه، می‌بایست با الهام از برنامه‌هایی نظیر طرح‌های حمایتی دولت‌محور کانادا و با لحاظ مفهوم امان ا سلامی و ابعاد اقتصادی ادغام، طراحی و اجرا گردد**.**

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی میان آموزه‌های اسلامی و نظام حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق پناهندگان نشان می‌دهد که هر دو نظام، علی‌رغم تفاوت‌های مفهومی و ساختاری، بر ا صول بنیادین م شترکی مانند عدم تبعیض و حفظ حیات تأکید دارند **.**تعریف پناهنده در حقوق

---

۱ Plan Integrativ

۲ وزارت مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا، ۲۰۲۵، در دسترس از https://www.canada.ca/en/immigration-refugees-citizenship/services/canadian-citizenship/become-canadian-citizen/eligibility.html.

۳ Resettlement Assistance Program - RAP

۴ Government-Assisted Refugees (GAR)

۵ Private Sponsorship of Refugees (PSR)

بین‌الملل محدود به آزار شخصی است، اما در اسلام گسترده و فوری؛ این تفاوت همگرایی را غنی می‌کند .در حقوق بین‌الملل، از طریق اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، حقوقی برای پناهندگان تعریف شده است، اما در عمل، اجرای این حقوق وابسته به اراده سیاسی دولت‌هاست. این امر باعث شده است که حقوق پناهندگان اغلب ، نه به‌عنوان «حق بنیادین»، بلکه به‌عنوان «امتیاز مشروط» تلقی شود. از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی با استناد به قرآن، سنت نبوی و فقه اسلامی، پناهندگی را نه تنها جایز، بلکه واجب شرعی و اخلاقی دانسته‌اند. در این چارچوب، حتی غیرمسلمان نیز مستحق امنیت و حمایت‌اند. سنت اسلامی در پناه دادن به مظلوم، عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی، ظرفیت بالایی برای توسعه و پشتیبانی از گفتمان جهانی حقوق پناهندگان دارد. این همگرایی از پارادوکس حاکمیت دولتی آغاز شد، با تعهدات شرعی اسلام تعدیل گردید، با مفهوم آرنت یکپارچه شد (با مثال غزه به عنوان بی‌حقوقی منجر به پناهندگی)، و با اقدامات نهادها به راه‌حل رسید .با این حال، هر دو نظام با چالش‌های جدی در عرصه عمل مواجه‌اند. دولت‌های مدرن، با تمرکز بر امنیت، هویت ملی و منافع سیاسی، از مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی خود در قبال پناهندگان شانه خالی می‌کنند. فرآیند اداری‌سازی، اخراج سریع، بازگرداندن به کشورهای ناامن و محدودیت‌های مرزی، مصداق بارز نقض اصل بنیادین «حق داشتن حقوق» است که هانا آرنت آن را محور همه‌ی حقوق بشر می‌داند. این بحران نه‌فقط حقوقی بلکه اخلاقی و انسانی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که همگرایی می‌تواند بازگشت اجباری را کاهش دهد، ادغام اجتماعی را بهبود بخشد و به نحو مطلوب تری از حقوق پناهندگان صیانت نماید

پیشنهادها

بازتعریف حق پناهندگی در قالب «حق الزام‌آور» نه «امتیاز سیاسی»: دولت‌ها باید از نگاه گزینشی و امنیت‌محور فاصله بگیرند و پناهندگی را در چارچوب مسئولیت جهانی خود بازشناسند. پیشنهاد عملی: تصویب پروتکل جدید در کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان که اصل «حفظ نفس» اسلامی را به عنوان قاعده عرفی تلفیق کند، و پذیرش پناهندگان سیاسی را در کشورهای اسلامی تسهیل کند.

۱. ایجاد سازوکارهای الزام‌آور بین‌المللی: ساختار حقوق بین‌الملل باید با تقویت نهادهای مستقل، مانند کمیساریای عالی پناهندگان، به گونه‌ای بازسازی شود که ضمانت اجرای مؤثر برای حقوق پناهندگان فراهم گردد. پیشنهاد: تشکیل یک دادگاه فراملی تحت سازمان همکاری اسلامی- کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان برای بررسی نقض‌ها در پناهندگان جنگی (مانند رانده‌شدگان غزه)، که می‌تواند حل اختلافات را تسریع کند و شرایط پناهندگان سوری یا فلسطینی را بهبود بخشد.

۲. احیای مفهوم « شهروندی جهانی» یا « شهروندی انعطاف‌پذیر»: ایجاد بسترهایی برای مشارکت سیاسی و اجتماعی پناهندگان در جامعه میزبان، به‌منظور تحقق عملی حق داشتن حقوق، ضروری است. پیشنهاد: مدل شهروندی دوگانه در کشورهای مانند کانادا و ترکیه برای پناهندگان مذهبی، که آن‌ها را به حقوق رأی محلی برساند و ادغام اقتصادی را بهبود بخشد.

۳. تقویت نقش نهادهای اسلامی مانند سازمان همکاری اسلامی: با توجه به پشتوانه فقهی و اخلاقی اسلامی، این سازمان باید نقش فعال‌تری در هماهنگی کشورهای اسلامی برای پذیرش، حمایت و ادغام پناهندگان ایفا کند و نظام نظارتی و الزام‌آور داخلی ایجاد نماید. پیشنهاد: ایجاد صندوق مشترک سازمان همکاری اسلامی برای حمایت اقتصادی از پناهندگان زیست محیطی، که می‌تواند معیشت پناهندگان در خاورمیانه را بهبود بخشد.

۴. همگرایی فکری و نهادی میان اسلام و حقوق بین‌الملل: تو سعه گفتمان مشترک با تأکید بر اصول انسانی مشترک، می‌تواند به ارتقای جایگاه حقوق پناهندگان در هر دو نظام بینجامد و شکاف میان نظریه و عمل را کاهش دهد. پیشنهاد: برگزاری کنفرانس‌های سالانه برای تدوین فتاوای تطبیقی برای پناهندگان اقتصادی، که اصل عدم بازگرداندن را با «امان» اسلامی همسان کند و سیاست‌های مرزی را در خاورمیانه تحول بخشد.

۵. آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی درباره حقوق پناهندگان: برای مقابله با بیگانه‌هراسی و تبعیض، ضروری است که جوامع میزبان از طریق برنامه‌های آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی با اهمیت حقوق پناهندگان و نقش آنان در ساختن جوامع چندفرهنگی آشنا شوند. پیشنهاد: برنامه‌های آموزشی دیجیتال در برنامه‌های سازمان همکاری اسلامی برای انواع پناهجویان (از جمله رانده‌شدگان غزه)، که می‌تواند بیگانه‌هراسی را کاهش دهد و ادغام اجتماعی را تسهیل کند.

در نهایت، حمایت از پناهندگان تنها آزمون وفاداری به اسناد حقوق بشری یا آموزه‌های دینی نیست، بلکه سنجش‌گر میزان پایبندی انسان معاصر به کرامت انسانی است. تحقق «حق بر داشتن حقوق» برای پناهندگان، گامی اساسی در ساختن جهانی عادلانه‌تر و انسانی‌تر خواهد بود، با پتانسیل کاهش بحران‌های جهانی مانند غزه از طریق مدل‌های حقوقی ترکیبی و تمایز انواع پناهجویان.

فهرست منابع؛

۱-اصحابی, فاطمه (۱۴۰۲). «تمایل پناهندگان به بازگشت و دسترسی به حقوق شهروندی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره پیاپی(۳۰)، صص ۴۸ ـ ۲۹.

۲-سلیمی منصوری، کوروش؛ بابایی، مجتبی (۱۳۹۹). «بررسی موارد عملی اعمال اصل منع بازگرداندن پناهندگان در حقوق بین‌الملل»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۶، صص ۱۶۳-۱۸۴.

۳-موسی‌زاده، ابراهیم؛ کهریزی، رزیتا (۱۳۹۴). «حقوق پناهندگی در اسلام، منبعی برای توسعه حقوق بین‌الملل پناهندگی»، نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۷، صص ۳۹-۵۶.

۴-البخاری، محمد بن إسماعیل. (بلا تاریخ). صحیح البخاری، حدیث رقم ۲۴۴۲.

۵-الرازی، محمد بن عمر. (۱۴۱۱ هـ). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۶-ابن قدامة، موفق الدین عبد الله. (۱۴۱۷ هـ). المغنی. بیروت: دار الفکر.

۷-ابن هشام، محمد بن إسحاق. (۱۴۲۱ هـ). سیرة ابن هشام. بیروت: دار الکتب العلمیة.

۸-الماوردی، علی بن محمد. (۱۴۱۰ هـ). الأحکام السلطانیة. بیروت: دار الفکر.

۱. BAMF. (۲۰۲۲). Integrationsplan Deutschland. Bundesamt für Migration und Flüchtlinge.
۲. Beauchemin, C. (۲۰۲۰). Migration and development in the OIC countries. International Journal of Migration and Border Studies, ۶(۲), ۱۱۹–۱۳۵.
۳. Coleman, M. (۲۰۱۷). Borders as infrastructure: The technopolitics of border control. Geopolitics, ۲۲(٤), ٦۲۱–٦٤۳
٤. European Commission. (۲۰۲۳). Common European Asylum System.
٥. Fisher, M. (۲۰۱۹). Asylum and sovereignty: Refugees and state power. Journal of Refugee Studies, ۳۲(۴), ۱۱۱۰–۱۱۳۰.
٦. Goodwin-Gill, G. S., & McAdam, J. (۲۰۲۱). The refugee in international law (۴th ed.). Oxford University Press.
۷. Hallaq, W. B. (۲۰۰۹). An introduction to Islamic law. Cambridge University Press.
۸. IRCC. (۲۰۲۴). Become a Canadian citizen: Eligibility. Immigration, Refugees and Citizenship Canada.
۹. Kamali, M. H. (۲۰۰۸). Shari'ah law: An introduction. Oneworld Publications.
۱۰. Kovalczyk, B., & Versteeg, M. (۲۰۱۷). The history of asylum: From ancient Greece to modern refugee law. American Journal of International Law, ۱۱۱(۴), ۱۲۲۶–۱۲۵۰.
۱۱. Liodden, T. M., & Knak, M. (۲۰۲۴). Bureaucratic bordering: Administrative practices and refugee exclusion. Refugee Survey Quarterly, ۴۳(۲), ۲۱۰–۲۳۰.
۱۲. Mavronicola, N., & Lialiouti, Z. (۲۰۲۴). Non-refoulement and the ICCPR: Limits and possibilities. International Journal of Refugee Law, ۳۶(۳), ۲۹۰–۳۱۰.
۱۳. McAdam, J., & Wenckstern, M. (۲۰۲۳). Asylum as humanitarian discretion: Policy over principle. Journal of Refugee Studies, ۳۶(۱), ۱۲–۲۸
۱٤. Nguyen, T., & Davies, S. (۲۰۲۴). Exceptional spaces: Borders and the suspension of rights. Human Rights Quarterly, ۴۶(۲), ۴۰۵–۴۲۵.
۱٥. OIC & UNHCR. (۲۰۲۳). Joint framework on refugee protection in OIC countries. Organisation of Islamic Cooperation.
۱٦. Schmitt, C. A., & Kagan, M. (۲۰۲۳). State sovereignty and refugee protection. Human Rights Quarterly, ٤٥(۳), ٥۱۲–٥۳٥.
۱۷. UN. (۱۹۹۸). Guiding principles on internal displacement. United Nations.

۱۸. UN. (۲۰۱۸). Global compact for safe, orderly and regular migration. United Nations.

۱۹. UNESCO. (۲۰۲۳). Education under attack in Gaza. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

۲۰. UNGA Resolution ۷۸/۱۵۶. (۲۰۲۴). Protection of refugees and stateless persons. United Nations General Assembly.

۲۱. UNHCR. (۲۰۱۱). Handbook on procedures and criteria for determining refugee status. United Nations High Commissioner for Refugees.

۲۲. UNHCR. (۲۰۱۴). Ending statelessness by ۲۰۲۴: #IBelong campaign. United Nations High Commissioner for Refugees.

۲۳. UNHCR. (۲۰۱۹). Global trends: Forced displacement in ۲۰۱۸. United Nations High Commissioner for Refugees.

۲۴. UNHCR. (۲۰۲۴). Global trends: Forced displacement in ۲۰۲۳. United Nations High Commissioner for Refugees.